

ویژه‌منشور سرنگونی جمهوری اسلامی

جمعه ها منتشر میشود

حکمتیست ۲۶

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۳۰ بهمن ۱۳۸۳ - ۱۸ فوریه ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

سردبیر: اعظم کم‌گویان

بیانیه حقوق جهانشمول انسان

صفحه ۶

منشور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران

صفحه ۸

رفراندم، جنگ و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران

بیانیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

درباره سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین حق مردم در تعیین نظام آینده حکومتی ایران

به همراه خاتمی و ائتلاف حکومتی او آن بخش از حامیان سیاسی جمهوری اسلامی که به زور، به اپوزیسیون رانده شده بودند مجدداً در دفاع از این جناح جمهوری اسلامی و علیه تحرک انقلابی مردم برای سرنگونی نظام اسلامی به خط شدند و به میدان آمدند. همه "درس آموزی ها" از عمق کثافت همکاری شان با جمهوری اسلامی علیه مردم و نیروهای سیاسی مخالف جمهوری و دوره "دمکرات" شدن ایدئولوژیک اینها بعد از سقوط بلوک شرق یکسره به فراموشی سپرده شد. به‌همراه حزب توده و اکثریت، همه محافل و جریانات منشعب از آنها به سنگر طرفداری از رژیم و یک جناح آن رجعت کردند و مجدداً به شیوه ای مشتمل کننده در مقابل اعتراض انقلابی مردم ایستادند و علیه جریانات چپ سرنگونی طلب لجن پراکنی کردند. بخش وسیعی از روشنفکران، نویسندگان، شعرا، و ژورنالیست ها، نشریات و رسانه های داخلی و خارجی به این صف پیوستند و تلاش کردند مردم را به دنبال بخش "معتدل" رژیم بکشانند.

ماحصل همه اینها پیدایش دوره جدیدی در تحرک اپوزیسیون طرفدار رژیم، تحت پرچم دفاع از خاتمی و موج تعرض هیستریک این جریانات به کمونیستها و به نفس مبارزه علیه کلیت رژیم

سرنگونی جمهوری اسلامی مساله محوری جامعه ایران شده است. شکست دو خرداد بار دیگر نشان داد، همانطور که ما اعلام کرده بودیم، حکومت اسلام نه قابل اصلاح است و نه حکومت اصلاح شده و "خوش خیم" اسلام مشکل جامعه و مردم ایران را حل میکند. اما تجربه دو خرداد برای مردم ایران با هزینه بسیار گزاف انسانی همراه بود و نباید اجازه تکرار پیدا کند. میلیونها انسان، چند نسل از کودکان، زنان، کارگران، جوانان، و کوچک و بزرگ این جامعه طی این مدت ۸ سال زیر سلطه حکومت اسلام به تباهی فیزیکی و معنوی کشانده شدند. امروز همه مردم اعلام میکنند که غم، گرسنگی، خفقان، بیکاری، بی حقوقی در یک کلام جمهوری اسلامی بس است! این رژیم باید فوراً سرنگون شود!

شکست دو خرداد

خاتمی و ائتلافی که او را به قدرت رساند نماینده آن بخش از جمهوری اسلامی است که خطر انقلاب علیه نظام اسلام را دید و تلاش کرد تا مردمی که دیگر مرعوب سرکوب عربان جمهوری اسلامی نبودند را به وجود یک جناح "اصلاح طلب" در درون رژیم متقاعد کند. جناحی که قرار بود ادامه حکومت اسلام در پوشش جدید را مقدور نماید.



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اسلامی بود.

خصلت سیاسی اپوزیسیون راست این است که از مردم بیش از جمهوری اسلامی هراس دارد. اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی را نمیخواهد، این واقعیت است. آنها "سلطنت" یا "جمهوری" نیمه سلطنتی میخواهند. "رادیکال"ترینشان طرفدار قانون اساسی مشروطه منهای سلطان است. اما دخالت مستقیم مردم در سیاست و درهم کوبیدن دولت جمهوری اسلامی توسط مردم، چنان شرایط انقلابی ای را فراهم میکند که اعمال "نظم و قانون" استبدادی، که لازمه تولید و بازتولید سرمایه دارانه است، را مشکل میکند. راست محتاج آنست که به سرعت "خاتمه انقلاب" را اعلام کند، برای تضمین بردگی مزدی مردم را از صحنه دخالت مستقیم در سیاست دور نگهدارد و آنها را "سرکارشان بفرستد". انجام اینکار بدون وجود دستگاه بگیر و ببند دولتی حاضر و آماده جمهوری اسلامی دشوار است. اپوزیسیون راست میخواهد جمهوری اسلامی، با کمترین دخالت مردم سرنگون شود. دستگاه دولتی جمهوری اسلامی را برای اعمال "حکومت نظم و قانون" حتی المقدور دست نخورده تحویل بگیرد و کنار رفتن تعدادی از سران جمهوری اسلامی را، سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی مردم بنمایاند.

اپوزیسیون راست برای رسیدن به این هدف دو سیاست اصلی را در مقابل جامعه قرار داده است: فراندنم و توسل به دخالت نظامی آمریکا. این سیاستها، علیرغم ظاهر "مسالمت جویانه" اولی و "میان بر بودن" دومی، جز تباهی برای مردم چیزی به ارمغان نخواهند آورد. اگر دو خرداد به عمر جمهوری اسلامی افزود، این سیاستها نه تنها به عمر جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی در ایران اضافه خواهد کرد بلکه بنیاد های زندگی مدنی را در ایران خواهد پاشاند، با دادن کنترل سرنوشت و زندگی مردم به دست دار و دسته های مسلح مذهبی، قومی، عشیره ای و فاشیست، تباهی کامل را بر مردم ایران تحمیل خواهند کرد. ایران را عراقیزه میکنند. طرح فراندنم و دخالت نظامی آمریکا هر دو، جامعه را به سراسیمه اضمحلال سوق میدهد.

فراندنم

آنچه که تحت عنوان فراندنم یا همه پرسی از مردم در مورد نظام حکومتی آینده ایران از جانب اپوزیسیون راست مطرح میشود به هیچ عنوان تضمین کننده حق مردم در تعیین نظام آتی حکومت در ایران نیست. طرح فراندنم به عکس آنچه که ادعا میکند منشور سازش با جمهوری اسلامی یا بخشی از آن است.

طرح فراندنم پرچم مشترک اپوزیسیون راست است. طرحیست



برخلاف تبلیغات ریاکارانه دو خردادی های خارج و داخل کشور انتخاب خاتمی شروع آزادی نبود. خاتمی و ائتلاف مدافع او، بعنوان شرکای قدیمی حاکمیت خونین اسلامی در ایران، ابتدا چنین هدفی را دنبال نمیکردند. روند رشد حرکت اعتراضات مردم و تناقضات و تنشهای درونی رژیم اسلامی به سرعت معادلات سیاسی را تغییر داد. مردم و رژیم، هر دو، پدیده خاتمی و تصورات و توهمات دو خرداد را پشت سر گذاشتند. دو خرداد شکست خورد و مضمحل شد. امروز دیگر هر اعتراضی به سرنگونی جمهوری اسلامی میرسد. سرنگونی طلبی به بستر اصلی اعتراض مردم تبدیل شده است. جمهوری اسلامی غیر قابل اصلاح است؛ این حکم دیگر یک حکم داده در مبارزه اعتراضی مردم است. این موقعیت در کنار ناتوانی ذاتی جمهوری اسلامی در بیرون آوردن اقتصاد جامعه از بن بست کنونی اوضاع سیاسی را بسمت تلاطم های مهم و تقابل حاد و مستقیم مبارزات اعتراضی مردم و طبقه کارگر با حکومت ارتجاعی سوق میدهد. دو خرداد خرواری دروغ تحویل مردم داد و ۸ سال وقت و عمر مردم تلف کرد.

آرایش جدید اپوزیسیون راست

شکست دو خرداد ضرورت سرنگونی را بیش از همیشه به جلو صحنه رانده است. جنبش سرنگونی، جنبشی که جز سرنگونی کامل جمهوری اسلامی به هیچ چیز کمتری رضایت نمیدهد، اما، هنوز پرچم و رهبری خود را پیدا نکرده است. مردم رهبر و پرچم روشنی ندارند که حول آن نیروی خود را متحد کنند، به میدان بیاورند، جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و پیروزی را از آن خود سازند. امروز در مقابل جمهوری اسلامی دو نیروی سرنگونی طلب در جامعه، یعنی چپ و راست، تلاش میکنند که جامعه را حول پرچم خود متحد کنند. ناروشنی مردم در معنای پیروزی جنبش سرنگونی، فرجه ای را برای اپوزیسیون راست ایران بوجود آورده است تا نوع دیگری از مامشات با دستگاه دولتی و کنار زدن و سرکوب بعدی مردم را پیروزی بنمایاند. اپوزیسیون راست سنتا در مدارهای بزرگ یا کوچک حول جریان سلطنت طلب میگردند. در این طیف همه سلطنت طلب نیستند اما تمایلات دست راستی و محافظه کارانه، ناسیونالیسم افراطی و ترس از هم پاشیدن دستگاه دولتی جمهوری اسلامی توسط مردم آنها را فعلا کنار هم گذاشته است. علاوه بر طیف سنتی راست امروز بخش مهمی از دو خرداد "رادیکالیزه" شده و زیر پرچم عمومی "جمهوری خواهان" به اردوی اپوزیسیون راست پیوسته اند. اینها در مدار سیاسی کمابیش نزدیکی، گرد سلطنت طلبان میچرخند.

به حزب کمونیت کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!

میزند و فلسفه درس میدهند یا مدرسه مطالعات استراتژیک تاسیس میکنند شارلاتان هستند. اگر مردم جمهوری اسلامی را به قبول فراندم کشیده باشند، قبل از آن باید آن را سرنگون کرده باشند. این نسخه از فراندم برای باز گذاشتن امکان "سر در آوردن" جمهوری اسلامی یا جناحی از آن از صندوق "فراندم" است. نسخه به سازش کشیدن دستگاه دولتی جمهوری اسلامی بر علیه بخش کوچکی از رهبران رژیم برای مصون نگاه داشتن دستگاه دولت جمهوری اسلامی است. این طرح، در صورت اجرا، بخش اعظم امکانات مالی، انسانی، تسلیحاتی و سیاسی را همچنان در اختیار دارودسته های اسلامی باقی میگذارد و امکان میدهد که بنیادهای زندگی مدنی دائماً گروگان باجگیری این دارودسته های اسلامی باشد و کل جامعه همواره در معرض دست اندازی آنها قرار بگیرند. ابعاد جنایات و وحشیگری های دارودسته های اسلامی در چنان حالتی در حدی خواهد بود که حتی امروز مقتضیات حکومتی شان در ایران آنها را برایشان نامقدور کرده است. این فراندم نسخه معطل کردن مردم برای رسیدن اپوزیسیون راست به سازش با جمهوری اسلامی علیه خود مردم است.

فراندم بدون جمهوری اسلامی

برداشت "رادیکال" تر از طرح فراندم، موکول کردن فراندم به بعد از سقوط جمهوری اسلامی است. این تفسیر برای مقابله با نقد چپ از فراندم و جذابیت شعار سرنگونی طلبانه "آزادی، برابری" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" و بالاخره خنثی کردن نارضایتی بخشی از اپوزیسیون میلیتانت راست از طرح فراندم است. در این "قرائت" گرچه شرمگینانه، سرنگونی مقدم بر فراندم نمایانده میشود اما در این "استراتژی"، هدف فوری، سرنگونی اعلام نمیشود، فراندم اعلام میشود! این وارونگی اتفاقی یا سهوی نیست. تقدم فراندم بر سرنگونی، در این سطح، برای اپوزیسیون راست دو خاصیت مهم دارد. اولاً با راندن مساله سرنگونی جمهوری اسلامی، بعنوان هدف فوری، به پس پرده، آن را به موضوع جانبی، قابل تفسیر، قابل مذاکره، و قابل بحث اعلام میکنند. ثانیاً به همین دلیل امید دارد که بخش هایی از دستگاه دولت جمهوری اسلامی را بخود جلب کند. اگر دواخرداد میخواست اسم و دستگاه دولت جمهوری اسلامی را هردو با هم نگاه دارد، این سیاست دست از اسم شسته میخواست راه نجات دیگری را در مقابل دستگاه قتل عام مذهبی - سیاسی فاسد جمهوری اسلامی قرار دهد. هدف این سیاست باز گذاشتن امکان کناره گیری تعدادی از رهبران جمهوری اسلامی برای نجات دستگاه دولت در شرایطی که خطر قیام مردم دستگاه دولت جمهوری

برای شکل دادن به وسیعترین اتحاد در اپوزیسیون راست. فراندم امروز نه تنها سازمانها و روشنفکران و دو خردادی های تازه جمهوری خواه شده را با خود دارد، بلکه قرار است، با "تفسیر خاصی"، بخش هایی از دواخرداد سابق درون رژیم را هم "پای میز مذاکره" و توافق بکشد و به آنها اهرم مقاومت بدهد. فراندم بعلاوه طرح "مردم دست نگهدارید تا ما رژیم را به فراندم بکشیم"، طرح "مردم شلوغ کردن لازم نیست ما داریم توافق میکنیم" است. طرح دور کردن مردم از دخالت مستقیم در سیاست و نالازم اعلام کردن سرنگونی جمهوری اسلامی توسط مردم است. این طرح چه در قالب فراندم با وجود جمهوری اسلامی و چه در قالب فراندم بعد از جمهوری اسلامی در هر دو حالت طرحی برای بیرون کردن مردم از میدان مبارزه انقلابی، سازش با بخش هایی از جمهوری اسلامی و مصون نگاه داشتن دستگاه سرکوبگر دولت و نهادهای مذهبی از تعرض مردم است. فراندم در هردو حالت منجر به در میدان ماندن جریانات اسلام سیاسی در موضعی قوی و گسیختگی کامل زندگی مدنی در ایران و تعمیم خشونت، قساوت و وحشیگری قومی، مذهبی و عشیره ای بر همه جوانب زندگی مردم میشود.

فراندم با وجود جمهوری اسلامی

یک "تفسیر" از طرح فراندم، برگزاری فراندم با وجود جمهوری اسلامی زیر فشار بین المللی، فشار مردم و یا ترکیبی از هردو است. تصور اینکه جمهوری اسلامی، و اسلام سیاسی، که هر روز از این تا آن سر دنیا افرادش به خود بمب مینندند، آدمها را جلو دوربین تلویزیون سر میبرند و ایدئولوگ هایشان علناً در همین جمهوری اسلامی به این کارها مباهات میکنند، حاضر میشود خود فراندمی را برگزار کند که میدانند در آن سرنگون میشود، اگر شیدانه نباشد، ابلهانه است. این "تفسیر" دواخردادی های درون رژیم است و پرده دوم نمایش دو خرداد است. دادن این تصور به مردم که رژیمی که دارد جلو چشم همه شلاق میزند، سر میبرد، سنگسار میکنند، اورانیوم غنی میکند و پلوتونیوم میسازد و تازه در مضحکه انتخاباتی در عراق جنوب آنها رسماً تحویلش داده اند، برای سرنگونی خود فراندم برگزار میکند؛ آزادی تبلیغات میدهد، شمارش آرا را درست انجام میدهد و با اعلام شکست در انتخابات آخوندها در مراسم "تحلیف" رئیس جمهور یا شاه بعدی شرکت میکنند و بعد از این مراسم برای شکار پروانه و مطالعه در زنجیره حیات، عازم "حوزه های علمیه" میشوند کلاهداری سیاسی است. کسانی که به مردم میگویند سپاه پاسداران، گله حزب الله و انصارالله و آدمکشان و شکنجه گران وزارت اطلاعات همگی، بعد از "رای نیاوردن" در فراندم کنار میروند، ریششان را میتراشند، ادکلن

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به پیوندید!

اسلامی را تهدید کند است.

طرح فراندم مطرح شده از جانب اپوزیسیون راست در هر دو حالت خود علاوه بر اینکه حق انتخاب آزاد و آگاه نظام حکومتی آینده ایران را از مردم دریغ میدارد، با دادن مجال ادامه زندگی، تجدید قوا و فعالیت به اسلام سیاسی و دارودسته های تروریست - جنایتکار جز سیطره آدم کشی، بمب گذاری و ناامنی بر تمام گوشه و زوایای این جامعه و پاشاندن بنیادهای زندگی مدنی حاصلی نخواهد داشت. فراندم در هر دو حالت آن، طرح دست نخورده نگاه داشتن بخشی از دستگاه جمهوری اسلامی است و بانی سیه روزی آتی مردم است.

طرح فراندم به عکس تصویر "غیر خشونت آمیزی" که از خود میدهند منشاء بدترین نوع خشونت در جامعه و باعث حاکمیت سیاه ترین و جانیتکارترین نیروهای موجود بر زندگی و هستی مردم میشوند. فراندم نسخه نگاه داشتن اسلام سیاسی در صحنه و تباهی جامعه است.

دخالت نظامی آمریکا

دخالت نظامی آمریکا، چه بعنوان یک تهدید و چه بعنوان یک سیاست در حال اجرا، بخش انتگره سیاست اپوزیسیون راست و مکمل طرح فراندم است. تهدید دخالت نظامی آمریکا برای اپوزیسیون راست ابزار اعمال فشار بر سران جمهوری اسلامی برای تن دادن به یک سازش از بالا برای تغییر رژیم با حفظ ماشین دولتی جمهوری اسلامی است. این همان هدفی است که طرح فراندم تعقیب میکنند. اما این دخالت و یا تهدید تاثیر معکوس دارند. اسلام سیاسی بعنوان یک سنت ارتجاعی ریشه دار است. تهدید نظامی آمریکا به عکس تصور اپوزیسیون راست، بخش های مختلف جمهوری اسلامی را به هم نزدیک میکند، آنرا در مقابل مردم هارتر میکند، مردم را از ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی به نیروی خود دور میکند و آنها را چشم انتظار تحقق سناریوی مورد نظر اپوزیسیون راست نگاه میدارد و به عمر جمهوری اسلامی می افزاید.

دخالت نظامی آمریکا حتی در شکل ضربه نظامی، سیاه ترین نیروهای ارتجاع اسلامی را به جان مردم می اندازد. هر تیر و هر موشکی که آمریکا یا اسرائیل به ایران شلیک کنند پرووکاسیونی است که تمام ارتجاع اسلامی در ایران و در منطقه را فشرده تر میکند، در ایران تناسب قوا را به زیان مردم آزادبخواه و به نفع گله های حزب الله و انصارالله و دارودسته های باند سیاهی اسلامی تغییر میدهد و میتواند کل منطقه را به آتش بکشد. دخالت نظامی آمریکا در ایران و سرنگونی رژیم اسلامی زیر فشار نظامی آمریکا جنگی را بر مردم ایران تحمیل میکند که در نتیجه آن کل زیرساخت اقتصادی جامعه به نابودی کشیده میشود، ایران را عرصه تاخت و

تاز و حکومت نیروهای باند سیاهی قومی، عشیره ای و مذهبی و کانگسترهای سیاسی و باندها و دارودسته های مختلف اسلامی، که ممکن است حتی به سلاح هسته ای مسلح باشند، خواهد کرد. دخالت نظامی آمریکا چیزی جز نابودی زندگی مدنی برای یک دوره بسیار طولانی، در ایران نخواهد داشت. طبقه کارگر، مردم آزاده و شریف و جوانان پر شوری که در آرزوی یک زندگی بهتر به مقابله با جمهوری اسلامی رفته اند قربانیان اصلی این تعرض خواهند بود. تجربه عراق همین را نشان میدهد. چنین دخالتی نسخه عراقیزه کردن ایران است.

اگر زندگی، آینده و آزادی مردم ایران، درست مانند مورد عراق، در سیاست آمریکا جایی ندارد و دولت آمریکا بالقوه میتواند در یک ماجراجویی نظامی، دیگر شیرازه زندگی مدنی در ایران را از هم بپاشد، اپوزیسیون راست در اوج بی مسئولیتی آماده است در این پروژه شریک شود. فاشیست هایی که دست خدا را در آستین بوش یافته اند و برای به قدرت رسیدن خود و برای ممانعت از دخالت مستقیم مردم در قدرت سیاسی آماده اند تا هستی و نیستی میلیونها انسان را در ایران به باد بدهند و مدنیت را برای چند دهه از ایران برچینند. این مضمئز کننده و انزجار آور است. طبقه کارگر و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست افشای این سیاست ضد انسانی از جانب راست و روشن کردن سراب "نجات" توسط ارتش آمریکا برای مردم و طبقه کارگر را امر خود میدانند و به آنها گذشت نخواهد کرد.

ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی و درهم کوبیدن کامل دستگاه دولتی و منابع مالی، تدارکاتی و تبلیغاتی آن

و

منشور سرنگونی جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی به یک سنت فوق ارتجاعی اسلام سیاسی متکی است. اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی، بجز در کردستان، به عکس رژیم سلطنتی در ایران ذوب نخواهد شد. اسلام سیاسی ریشه عمیقی در منطقه دوانده است و نیروی خود را از کل منطقه میگیرد. در نتیجه دارودسته های اسلامی میتوانند حتی بعد از ضربه، خود را باز سازی کنند، مناطقی را تحت کنترل خود بگیرند و جامعه را چون عراق و افغانستان به تباهی بکشند.

تنها یک قیام توده ای علیه کل سیستم، ارزشها و نظام جمهوری اسلامی میتواند این نیروی سیاه را از دل جامعه و از دل منطقه ریشه کن کند. هجوم مردم به بنیادهای ارزشی و دولتی جمهوری اسلامی و در هم کوفتن همه این دستگاه جهل و جنایت طی ضد مذهبی ترین انقلاب تاریخ بعد از انقلاب فرانسه، میتواند اسلام سیاسی را



پدیده ای ناممکن تبدیل کرده است. هر طبقه، هر جنبش اجتماعی و هر حزب سیاسی تلاش دارد تا خود را برای دوره بعد از جمهوری اسلامی آماده کند. سیاست امروز همه احزاب ناشی از مقتضیات فردای آنهاست. سرنگونی جمهوری اسلامی، در تمایز از انقلاب ۵۷ ایران، تازه نقطه شروع انقلاب واقعی است. جامعه بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی دستخوش عمیقترین کشمکش های تاریخ سیاسی ایران برای تعیین نظام حکومتی آینده ایران میشود. این اجتناب ناپذیر است. تمام تلاش ما معطوف به آن است که این دوره با ضمانت وسیعترین آزادی ها، با تضمین دخالت مستقیم مردم در سیاست، با تبدیل منشور سرنگونی جمهوری اسلامی به خواست همه مردم آزادیخواه در ایران، امن ترین، آزادترین، کم خشونت ترین و کم دردترین راه را برای تضمین حق مردم در تعیین نظام آتی حکومت در ایران متحقق شود. حزب ما در تلاش است تا یک حزب سیاسی قوی، توده ای و مقتدر ایجاد کند و بتواند با اتکا به نیروی مردم آزادی و امنیت در جامعه را تضمین کند. تضمین کند که انقلابی که جمهوری اسلامی را سرنگون میکند، طبقه کارگر و مردم را در بهترین شرایط برای تعیین نظام آتی حکومت قرار دهد.

انقلاب ما انقلاب سوسیالیستی طبقه کارگر است. انقلاب سوسیالیستی مربوط به امروز جامعه است. سیاست ما تلاش برای ادامه بدون انقطاع هر انقلابی به انقلاب سوسیالیستی است. پیروزی جنبش سرنگونی برای ما تنها پیش درآمد بلاواسطه انقلاب سوسیالیستی طبقه کارگر است. این وظیفه ماست که تا هنگامی که حاکمیت سرمایه بر زندگی مردم و جامعه خاتمه نیافته است و تا وقتی که بیانیه حقوق جهانشمول انسان بعنوان پرچم پیروزی ارزش های انسانی به اهتزاز در نیامده و به قانون تخطی ناپذیر جامعه تبدیل نشده است، با شرکت در هر جنبش انقلابی، پیروزی آن را از زاویه منفعت جنبش کمونیستی کارگری و بشریت آزادیخواه و برابری طلب تعریف کنیم، به پرچمدار "نه" مردم به جمهوری اسلامی تبدیل شویم، این جنبش را به ابزار قدرتمند کردن حزب و تخته پرش آن به قدرت سیاسی تبدیل کنیم.

در همان حال، حزب ما تضمین میکند که با به قدرت رسیدن خود نه تنها منشور پیروزی جنبش سرنگونی را بعنوان قانون اعلام خواهد کرد، بلکه بیانیه حقوق جهانشمول انسان را بعنوان مبنای کلیه قوانین و مقررات کشور اعلام و خود را به ملتزم به اجرای آن میداند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بعلاوه خود را ملتزم به اجرای کلیه مطالبات برنامه خود، "یک دنیای بهتر" میداند و به همه مردم ایران امکان انتخاب آزاد و آگاه نظام آینده حکومتی ایران را خواهد داد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

فوریه ۲۰۰۵ - بهمن ۱۳۸۳

در ابعاد ایدئولوژیک، سیاسی و آرمانی به آنچنان هزیمت و فلج همه جانبه ای دچار کند که امکان تجدید قوا، جلب نیرو و بکارگیری امکانات مالی و تسلیحاتی را از آن سلب نماید. اسلام سیاسی نیمه سرنگون شده و هنوز در صحنه، از اسلام سیاسی در قدرت خطرناک تر است. اسلام سیاسی در "اپوزیسیون" در ایران، جز تروریسم عریان مسلح به سلاحهای کشتار جمعی نیست. این تروریسم، تروریست های قومی، عشیره ای و تمام کانگسترهای سیاسی را به میدان میکشد.

هیچ نیروئی جز نیروی مردم قیام کننده که با قدرت به تمام ارکان جمهوری اسلامی یورش برده اند و اسلام سیاسی را در همه ابعاد آن به هزیمت وا داشته اند قادر به حفظ جامعه در مقابل خطر دهشتناک دو قطب تروریستی جهان ما، یعنی تروریسم دولتی آمریکا و تروریسم تا دندان مسلح اسلامی در ایران نخواهد بود. تنها پیروزی کامل جنبش سرنگونی، قادر است نکتت جمهوری اسلامی را با حداقل خشونت، تلفات و هزینه جانی و مالی خاتمه بخشد. باید جمهوری اسلامی همراه تمام ابزارهای قدرتش و همراه تمام منابع مالی، تدارکاتی و تبلیغاتی آن، یکجا با هم در هم کوبیده شوند. چنین امری مستلزم تحقق منشور سرنگونی جمهوری اسلامی است که حزب کمونیست کارگری - حکمتیست آن را جداگانه منتشر میکند.

سیاست حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

نزدیک ترین، مطمئن ترین و کم دردترین راه سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین منشور پیروزی جنبش سرنگونی قیام مردم علیه جمهوری اسلامی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای سرنگونی رژیم ارتجاعی و جنایتکار اسلامی توسط قیام طبقه کارگر و توده وسیع مردم آزادیخواه ایران و تصرف قدرت سیاسی تلاش میکند. حزب ما به استقبال مبارزات رو به رشد کارگری و اعتراضات مردمی علیه کلیه ابعاد موجودیت رژیم اسلامی میروود و با متحد کردن، سازمان دادن طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در قالب شبکه ها و انواع مختلف سازمان های توده ای و بویژه با اتکا بر جنبش مجمع عمومی دامنه قدرت و اقتدار مردم در مقابل جمهوری اسلامی را گسترش میدهد. گسترش مبارزات و اعتراضات نیروی واقعی سرنگونی رژیم و تحقق آزادی در ایران است

آلترناتیو فوری و بلاواسطه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست حکومت سوسیالیستی است. اما حزب ما بر این واقعیت واقف است که موقعیت اژکتیو کنونی، سرنگونی جمهوری اسلامی را به موضوع انقلاب در حال شکل گیری در ایران تبدیل کرده است. درست بر همین متن است که اپوزیسیون راست امکان قرار دادن آلترناتیو سیاسی خود در مقابل جامعه را یافته است. بلوغ پرولتاریا و بورژوازی ایران در انقلاب ۵۷ و در میدان بودن جریانات اسلامی، قومی و فاشیست تصور هرگونه "همه با هم"ی در تحولات ایران را به

حقوق جهانشمول انسان

مقدمه

شده‌اند ممکن نیست. آزادی و برابری با انقیاد اقتصادی متناقض است. حقوق بشر سرمایه داری با مسکوت گذاشتن این واقعیت نمیتواند پاسخگوی نیاز انسان باشد. بیانیه حقوق بشر تضمین کننده آزادی و برابری انسانها نیست. ابزار جلوگیری از طغیان مردم آزادیخواه و برابری طلب است. وسیله‌ای برای ممانعت از جلب مردم و متفکرین و آزادیخواهان به ابعاد عمیقتر حقوق بشر و درک تناقض حقوق انسان با ماهیت نظام سرمایه‌داری است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با انتشار بیانیه حقوق جهانشمول انسان تصویر روشنی از مبنای حقوق انسان را بدست میدهد. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست این حقوق را حقوق همه انسانها در هر نقطه جهان میداند و برای تحقق آن میکوشد.

اعلام حقوق جهانشمول انسان بعلاوه در متن تحولات سیاسی و اجتماعی ایران و نقشی که حزب کمونیست کارگری حکمتیست بر عهده دارد اهمیت ویژه خود را دارد. جامعه ایران دستخوش یکی از عظیم ترین تحولات تاریخ خود است. جمهوری اسلامی در شرف سرنگونی است و مردم ایران میتوانند و باید علاوه بر سرنگونی جمهوری اسلامی نظامی را بنا نهند که در آن آزادی و برابری در عمیق ترین و وسیعترین سطح فردی و اجتماعی متحقق گردد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اعلام میکند که مواد حقوق جهانشمول انسان را حقوق تخطی ناپذیر مردم میداند و با تصرف قدرت سیاسی و اعلام جمهوری سوسیالیستی همه این حقوق را بعنوان مبنای قوانین و سیاست‌های جامعه اعلام میکند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست کلیه احزاب سیاسی و کلیه مردم در ایران و جهان را به حمایت جدی از بیانیه حقوق جهانشمول انسان دعوت میکند.

جامعه باید آزادی انسان را تضمین کند. آزادی به معنی آزادی از سرکوب و اختناق سیاسی، آزادی از اجبار و انقیاد اقتصادی، آزادی از اسارت فکری، آزادی در تجربه ابعاد مختلف زندگی انسانی، آزادی در شکوفائی خلاقیت‌های بشری و آزادی در تجربه ابعاد عظیم عواطف انسانی.

جامعه باید تضمین کننده برابری انسانها باشد. برابری نه فقط به معنی برابری در مقابل قانون بلکه برابری در برخورداری از امکانات و نعمات مادی و معنوی جامعه. برابری در حرمت و ارزش همه انسانها در پیشگاه جامعه.

اکثریت عظیم مردم جهان اما نه از آزادی بهره‌مند هستند و نه به امکانات و نعمات مادی و معنوی جامعه، که خود خالق آن هستند، دسترسی دارند. مقدرات زندگی مادی و معنوی انسان به تولید برای سود وابسته است. استثمار و انقیاد اقتصادی توده عظیم انسانی قانون حاکم بر جهان است و مقتضیات تولید سود و سود آور نگاه داشتن صدها میلیون انسان منطق نظام سرمایه‌داری است. فقر و محرومیت، تبعیض و نابرابری، اختناق و سرکوب سیاسی، جهل و خرافه و عقب ماندگی فرهنگی، بیکاری، بی‌مسکنی، ناامنی اقتصادی و سیاسی، فساد و جنایت همگی مصائب و محرومیت‌هایی هستند که هر روز از نو در متن سرمایه داری مدرن امروز، به عنوان اجزاء لاینفک این نظام، باز تولید میشوند.

آزادی بشر از نظر بورژوازی، در اساس، آزادی استثمار کردن و استثمار شدن است. آنجا هم که پای حقوق بشر به میان کشیده میشود در بهترین حالت حقوق سیاسی مشروط و محدودی تصویر میشود که استفاده از آن برای اکثریت کسانی هم که شامل آن

بیانیه حقوق جهانشمول انسان

۴ - هرکس مستقل از نقش او در تولید میتواند از نعمات مادی و معنوی موجود در جامعه برخوردار گردد. همه انسانها در برخورداری از نعمات مادی و معنوی موجود در جامعه دارای حق برابر هستند.

۵ - همه انسانها حق فراغت، تفریح، آسایش و امنیت دارند. هر کس حق دارد از مسکن مناسب و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی برخوردار باشد.

۶ - هر کودک حق یک زندگی شاد، ایمن و خلاق را دارد. تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است. همه کودکان و نوجوانان باید استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی، در بالاترین سطح ممکن، را داشته باشند.

۷ - هر فرد، بدون قید و شرط، در داشتن هر عقیده و بیان آن در شکل نوشتاری، شفاهی، هنری، یا هر شکل دیگری چه بصورت فردی و چه جمعی آزاد است. نقد هر چیز و انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه، همچنین اعتراض و اعتصاب کردن بصورت فردی یا جمعی حق بی قید و شرط هر فرد

مواد زیر حقوق جهانشمول و انکار ناپذیر انسان است. هیچ قانون، سیاست و مقرراتی در جامعه نمیتواند حقوق و بندهای این بیانیه را نقض کند. هیچ فرد یا بخشی از جامعه را از هیچ یک از حقوق این سند نمیتوان محروم کرد یا مورد تبعیض قرار داد. دولت و ارگانهای اداره جامعه موظف به تضمین تحقق این حقوق و بندهای این بیانیه هستند.

۱ - حیات پایه‌ای ترین حق انسان است. جسم و روح افراد از هر نوع تعرض مصون است.

۲ - استثمار انسان ممنوع است. کار مزدی، که اساس استثمار انسان در دنیای امروز است، و همچنین هر نوع انقیاد، بردگی و بیکاری در هر پوشش و با هر توجیهی ممنوع است.

۳ - کار فعالیت آزاد و خلاق انسان است. هر کس حق دارد خلاقیت‌های فکری و عملی خود را گسترش داده و بکار اندازد.

آوردن فکری و عملی بشریت زمان خود برخوردار شود. دسترسی به کلیه امکانات آموزشی موجود در جامعه و استفاده از آنها حق هر کس است.

۲۰ - هر سالمند حق یک زندگی شاد، خلاق و ایمن را دارد. هر کس حق دارد در دوره سالمندی، مستقل از موقعیت مادی خود، از بهترین امکانات زیستی، درمانی و بهداشتی بهره‌مند گردد. تضمین این حقوق برای سالمندان با جامعه است.

۲۱ - آزادی بی قید و شرط سکونت، سفر و نقل مکان حق هر فرد بزرگسال است. هر کس بدون قید و شرط حق دارد به هر کشور سفر کند و یا در هر کشوری اقامت گزیند.

۲۲ - هر کس میتواند با پذیرش تعهدات حقوقی شهروندی، شهروند جامعه شود.

۲۳ - زندگی خصوصی افراد - محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی مصون است.

۲۴ - هر کس در انتخاب لباس آزادی بی قید و شرط دارد. هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی ممنوع است.

۲۵ - هر کس حق دارد از شرکت در جنگ و یا هر فعالیت نظامی که با اصول و اعتقادات وی مغایرت داشته باشد امتناع نماید.

۲۶ - برقراری رابطه آزاد و داوطلبانه جنسی حق انکارناپذیر همه کسانی است که به سن قانونی بلوغ جنسی رسیده‌اند. روابط جنسی داوطلبانه افراد بزرگسال با هم، امر خصوصی آنهاست و هیچکس و هیچ مقامی حق کنکاش و دخالت در آن و یا اعلان عمومی آن را ندارد.

۲۷ - رابطه جنسی افراد بزرگسال (بالای سن قانونی بلوغ)، با افراد زیر سن قانونی، ولو با رضایت آنها، ممنوع است.

۲۸ - قضات، دادگاه‌ها و سیستم قضایی بلحاظ حقوقی مستقل هستند. انتخاب و عزل قضات و سایر مقامات قضایی حق مردم است.

۲۹ - برپائی دادگاه‌های ویژه ممنوع است. کلیه محاکمات باید علنی برگزار گردند.

۳۰ - همه افراد در مقابل قانون مساوی هستند. هیچ مقام یا فردی مصونیت قانونی ندارد. هر کس بی قید و شرط حق دارد علیه هر مقام دولتی در دادگاههای عادی اقامه دعوا کند.

۳۱ - هر کس حق دارد از ادای شهادت علیه خود یا اعتراف خودداری کند.

۳۲ - اصل در کلیه محاکمات بر برائت متهم است. برخورداری از امکان رسیدگی و محاکمه منصفانه حق هر فرد است. هر نوع شکنجه، ارباب، تحقیر و اعمال فشار فکری و روانی بر افراد بازداشتی، متهمین و محکومین مطلقاً ممنوع است و مبادرت به آن جرم جنایی محسوب میشود. کسب اعتراف با تهدید و تظلمیعی ممنوع است.

۳۳ - مجازات اعدام و حبس ابد یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد تحت هر شرایطی ممنوع است.

است. هر فرد میتواند هر حزب یا تشکلی را ایجاد کند و یا به چنین نهادهائی بپیوندد.

۸ - داشتن حرمت و شخصیت حق هر انسان است. هر نوع افتراء، هتک حرمت ممنوع است. هر نوع تبلیغ نفرت یا برتری مذهبی، ملی، قومی، نژادی و جنسی ممنوع است.

۹ - تفتیش عقاید و تحمیل عقاید ممنوع است. هر کس آزاد است که درباره نظرات و اعتقادات شخصی خود سکوت کند. هر نوع تحریکات و تهدیدات علیه بیان آزادانه نظرات افراد ممنوع است.

۱۰ - شرکت مستقیم و مستمر در امر حاکمیت حق هر فرد است. مقامات و نهادهای دولتی و ارگانهای اداره امور از بالا تا پایین باید منتخب مردم باشند. مردم حق انتخاب و عزل کلیه مقامات و پست‌های سیاسی و اداری در کشور را دارند. کلیه افراد بزرگسال از حق رای همگانی و برابر برخوردارند و حق دارند برای هر نهاد و ارگان نمایندگی و یا احراز هر پست و مقام انتخابی کاندید شوند.

۱۱ - دولت، ارگانهای اداره امور یا مقامات مختلف به خودی خود هیچ حقی در مقابل مردم، چه بصورت فردی و چه بصورت جمعی، ندارند مگر اینکه مردم این حق را به صراحت به آنها داده باشند.

۱۲ - دولت و نظام اداره جامعه باید تماماً غیر مذهبی و غیر قومی باشد. هر نوع کمک دولت به اشاعه هر مذهب یا دادن هر نوع مضمون یا ارجاع مذهبی، قومی و یا ملی به قوانین ممنوع است. هر نوع ارجاع به مذهب، قومیت یا ملیت افراد در قوانین و در اوراق هویتی و اداری مربوط به آنها ممنوع است.

۱۳ - داشتن یا نداشتن مذهب، بی قید و شرط آزاد است. مذهب از دولت و آموزش و پرورش جداست. هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب ممنوع است. انتخاب یا عدم انتخاب مذهب امر بزرگسالان است. کودکان و نوجوانان از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون باید باشند. جلب افراد غیر بزرگسال به فرقه‌های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی ممنوع است. تدریس دروس مذهبی، احکام مذهبی و یا تبیین مذهبی موضوعات در مدارس و موسسات آموزشی ممنوع است.

۱۴ - تعیین مذهب رسمی و زبان رسمی اجباری ممنوع است.

۱۵ - سلامتی حق هر فرد است و هر کس حق دارد از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن خود از صدمات و بیماری‌ها برخوردار گردد و از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه استفاده کند.

۱۶ - برخورداری از یک محیط زیست سالم و ایمن حق هر انسان است.

۱۷ - معاشرت و زندگی اجتماعی حق هر انسان است. هر نوع جداسازی و محروم سازی افراد از محیط اجتماعی و امکان معاشرت با دیگران ممنوع است.

۱۸ - جستجو و اطلاع از حقیقت در مورد کلیه جوانب زندگی اجتماعی حق هر کس است. سانسور، و کنترل بر اطلاعاتی که در اختیار شهروندان قرار میگیرد ممنوع است.

۱۹ - آموزش حق هر فرد است. هر کس حق دارد از امکانات جامعه امروزی برای ارتقای دانش و تخصص خود و یا آشنائی با دست

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

www.marxhekmatsociety.com

منشور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران

سرنگونی بی قید و شرط و کامل جمهوری اسلامی، باز داشتن عوامل آن از امکان مقاومت در مقابل مردم و پاشاندن بنیادهای زندگی مدنی و همچنین تضمین حق مردم در انتخاب آزاد و آگاه نظام حکومتی آینده کشور، اساس منشور سرنگونی جمهوری اسلامی است. سرنگونی جمهوری اسلامی پیش شرط تضمین حق مردم در تعیین نظام آتی ایران است.

معنی پیروزی جنبش سرنگونی، جایگزین شدن جمهوری اسلامی با یک دولت موقت با وظیفه اعلام فوری مطالبات انقلابی زیر به عنوان قانون و اجرای بی قید و شرط آنها است.

۱ - اعلام سرنگونی و انحلال جمهوری اسلامی

۲ - انحلال و خلع سلاح سپاه پاسداران، ارتش و کلیه دارودسته های نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، تحت کنترل گرفتن کامل کلیه امکانات تسلیحاتی، تدارکاتی و اموال و دارائی های این ارگانها و نهادها.

۳ - انحلال کامل وزارت اطلاعات.

۴ - قابل دسترس کردن کلیه آرشیوها، بایگانی ها و پرونده های دولت از جمله سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات برای مردم.

۵ - مصادره کلیه موقوفات و اموال و دارائی های نهادهای سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک اسلامی، اموال سران جمهوری اسلامی، "حوزه های علمیه" و نهادها و مدارس اسلامی و استفاده از آنها برای رفع نیازهای مادی، معنوی، تفریحی، سیاسی و اجتماعی مردم.

۶ - انحلال کلیه "حوزه های علمیه"

۷ - دستگیری سران جمهوری اسلامی

۸ - مسلح کردن مردم در میلیس های توده ای برای دفاع از آزادی، برای سرکوب مقاومت بازماندگان جمهوری اسلامی و تعرض هر نیروئی به آزادی ها و حقوق مردم.

۹ - اعلام جدائی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش.

۱۰ - لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. اعلام آزادی مذهب و بی مذهبی.

۱۱ - اعلام آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.

۱۲ - اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۱۳ - اعلام برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرفنظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

۱۴ - آزادی کلیه زندانیان سیاسی.

۱۵ - لغو مجازات اعدام.

۱۶ - دسترسی همگانی بویژه تشکلهای توده ای مردم و احزاب سیاسی به رسانه های جمعی دولتی.

۱۷ - تضمین بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار بالای ۱۶ سال. پرداخت بیمه بیکاری مکفی و سایر هزینه های ضروری به کلیه کسانی که به علل جسمی یا روانی توان اشتغال به کار ندارند.

۱۸ - ارجاع مساله تعیین نظام حکومتی آینده ایران و تهیه قانون اساسی به مجمع نمایندگان مستقیم مردم حداکثر ظرف ۶ ماه.

۱۹ - برگزاری رفراندوم در مناطق کرد نشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع رسمی بین المللی، برای دادن حق انتخاب آزاد و آگاه به مردم این مناطق برای ماندن در ایران بعنوان اتباع متساوی الحقوق با دیگران و یا جدائی از ایران و تشکیل دولت مستقل. این رفراندوم باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین یک دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان، به منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در این همه پرسى، انجام شود.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همه مردم آزادبخواه، احزاب سیاسی، تشکل های توده ای و فعالین سیاسی را فرا میخواند که برای دفاع از جامعه ایران در مقابل هر نوع سازش با جمهوری اسلامی و برای حفاظت از جامعه در مقابل استیلای دارودسته های ارتجاعی و باند سپاهی اسلامی، قومی و عشیره ای و کانگسترهای سیاسی این منشور را مورد حمایت قرار دهند.

فوریه ۲۰۰۵

بهمن ۱۳۸۳

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!